

فصلنامه
روابط خارجی

سال سوم شماره ۲ تابستان ۱۳۹۰

علمی - پژوهشی

روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی آمریکا / محمد علی موسوی و الهام کدخدایی

مرزهای تداوم و تغییر در دکترین امنیت ملی اوباما / حسین قریب

روابط ترکیه و اسرائیل؛ پیامدها برای ایران / امیر محمد حاجی یوسفی و همت ایمانی

تحلیل ساختاری تثبیت حکومت اقتدارگرا در مصر / خلیل‌اله سردارنیا

تعامل سازنده و توسعه روابط اقتصادی ایران و آفریقا / ابومحمد عسگرخانی و فریبرز ارغوانی

بررسی نظری رهیافت امنیت انرژی هند در آسیای مرکزی / الهه کولایی و ماندانا تیشه یار

توسعه همکاری‌های آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان / وحید سینانی

نظریه رئالیسم و ضرورت بازنگری در مفاهیم آن / جواد اطاعت و مسعود رضایی



قیمت: ۳۰۰۰ تومان



پژوهش‌های تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز:

پژوهش‌گده تحقیقات راهبردی

مرکز تحقیقات استراتژیک

جمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول:

حسن روحانی

سرمدیر:

سید جلال دهقانی فیروزآبادی

رئیس شورای سیاست‌گذاری:

محمود واعظی

شاپا: ۵۴۱۹-۲۰۰۸

مدیر اجرایی:

افسانه احدی

ویراستار:

مجید شفقانی

صفحه‌آرا:

سمیه صالح‌نیا

چاپ، لیتوگرافی و صحافی:

پردیس دانش

سرمه‌های علمی

راه‌نمای تدوین مقالات



فصلنامه

روابط خارجی

فصلنامه پژوهش‌گده تحقیقات راهبردی

سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰

شورای سیاست‌گذاری

حمید ابوطالبی، اسفندیار امیدبخش، کیهان برزگر، مرتضی بانک، ناصر ثقفی عامری،
علیرضا حقیقیان، سید شمس‌الدین خارقانی، غلامعلی چگنی‌زاده، امیرحسین زمانی‌نیا،
سید محمدکاظم سجادی‌پور، هادی سمتی، محمود شوری، حسین صادقی، محمدجواد ظریف،
سید محمدحسین عادل، حسین ملانک، عباس ملکی، ناصر هادیان، فریدون وردی‌نژاد

داوران این شماره

احمد بخشی، اصغر افتخاری، امیر محمد حاجی یوسفی، حسین دهشیار، حسین سیف‌زاده، حمید
احمدی، حمیرا مشیرزاده، سید محمدکاظم سجادی‌پور، فرهاد عطایی، محمد حسین حافظیان،
محمدرضا حاتمی، نوذر شفیعی

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۱۲۴/۲۴۰۳ مورخ ۸۷/۵/۳۰

هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود و براساس مجوز شماره ۸۹/۳/۱۱/۲۶۹۴۰

مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۵ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای مرتبه علمی - پژوهشی می‌باشد.

این فصلنامه در پایگاه‌های استنادی علوم جهان اسلام (ISC) به نشانی www.isc.gov.ir و اطلاعات علمی جهاد

دانشگاهی به نشانی www.sid.ir نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، روبه‌روی بوستان نیاوران، شماره ۸۰۲

کدپستی: ۱۹۵۴۷-۳۱۱۱۳، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵

تلفن: ۲۲۲۹۶۴۹۴، نمابر: ۲۲۸۰۱۲۷۰

پست الکترونیک: ifr@isrjournals.ir، سایت: <http://www.isrjournals.ir>

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقالات

- ۷ ■ مدل سازی روند تصمیم گیری در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا /
سید محمدعلی موسوی، الهام کدخدایی و فاطمه شفیعی سروستانی
- ۳۹ ■ مرزهای تداوم و تغییر در دکترین امنیت ملی اوپاما /
حسین قریب
- ۷۵ ■ تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر و پیامدهای آن برای ایران /
امیرمحمد حاجی یوسفی و همت ایمانی
- ۱۰۵ ■ تحلیل ساختاری و کنشگرا بر جرایم تثبیت حکومت اقتدارگرا در مصر (از دهه ۱۹۸۰ تا ژانویه ۲۰۱۱) /
خلیل اله سردارنیا
- ۱۳۳ ■ سیاست تعامل سازنده و الزام توسعه روابط اقتصادی ایران و آفریقا /
ابومحمد عسگرخانی و فریبرز ارغوانی پیرسلامی
- ۱۶۱ ■ بررسی نظری رهیافت امنیت انرژی هند در آسیای مرکزی /
الهه کولایی و ماندانا تیشه یار
- ۱۸۵ ■ هیدروپلیتیک، امنیت و توسعه همکاری های آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان /
وحید سینائی
- ۲۱۳ ■ نظریه رئالیسم و ضرورت بازنگری در مفاهیم آن /
جواد اطاعت و مسعود رضائی

کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان به دلیل قرار گرفتن در منطقه خشک و نیمه خشک دچار کم آبی و بارشهای آبی بسیار کمی هستند. در این نواحی رویدادهایی که منجر به کم آبی و کمبود آب می شود، مستقر است. این کمبود آب منجر به کاهش تولید و کاهش سطح آب زیرزمینی می شود. در حالی که در کشورهای آسیای میانه و آسیای مرکزی، کمبود آب منجر به کاهش تولید و کاهش سطح آب زیرزمینی می شود. در حالی که در کشورهای آسیای میانه و آسیای مرکزی، کمبود آب منجر به کاهش تولید و کاهش سطح آب زیرزمینی می شود.

هیدروپلیتیک، امنیت و توسعه همکاری های آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان



وحید سینائی*

* وحید سینائی استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد. Sinaee@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۱۰ تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۱/۲۵

فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، صص ۲۱۱-۱۸۵.

فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، صص ۲۱۱-۱۸۵.



۲۸/۱۸۷

مقدمه

کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان به دلیل قرار گرفتن در منطقه خشک و نیمه خشک، دچار کم‌آبی و نیازهای آبی مشابهی هستند. رفع این نیازهای روبه‌تزايد که منبعی برای نگرانی و ناامنی مردم این منطقه محسوب می‌شوند، مستلزم انجام پاره‌ای از همکاری‌های منطقه‌ای در حوضه‌های آبی مشترک است. اما با وجود پیوستگی‌های تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی، این همکاری‌ها در سطح متناسب و کارآمدی صورت نمی‌گیرد. تداوم نگرانی‌ها در زمینه تأمین نیازهای آبی با وجود اجرای ده‌ها طرح و برنامه و گذشت سال‌های متمادی از اجرای آنها نمایان‌گر ناکارآمدی این طرح‌ها و احتمال بروز کاستی‌های اساسی در تأمین نیازهای اولیه انسانی منطقه است. در صورت بروز چنین وضعیتی امنیت منطقه از «خرد»‌ترین تا «کلان»‌ترین سطوح آن در معرض تهدید قرار می‌گیرد. اجتناب از ایجاد چنین وضعیتی نخست مستلزم گزینش رویکردی جامع و پایدار به مقوله «امنیت» است. رویکردی که ظرفیت و قابلیت دربر گرفتن سطوح به‌ظاهر نامتجانس اما در واقع متفاوت و مرتبط امنیت را داشته باشد. «امنیت انسانی»^۱ که مفهومی عام و شامل سطوح مختلفی از امنیت می‌شود، رویکرد مناسبی برای همکاری‌های آبی در حوضه هریرود و بین کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان به‌شمار می‌آید. اتخاذ این رویکرد، راهکارهای متنوع و جدیدی را برای حل مشکلات ناشی از کم‌آبی پیش روی کشورهای منطقه قرار می‌دهد. افزون بر این و تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط می‌شود اتخاذ این رویکرد به اصلاح پندار موجود درباره تهدید و سیاست

چکیده

کشورهای مجاور حوضه هریرود (ایران، افغانستان و ترکمنستان) دچار کم‌آبی و هم‌زمان افزایش قابل توجه جمعیت و نیازهای روبه‌رشد بخش‌های کشاورزی و صنعتی هستند. این مشکلات روبه‌تزايد موجب آشکار شدن ناکارآمدی رویکردها و طرح‌های محدودنگری شده است که در سال‌های گذشته برای فائق آمدن بر معضلات ناشی از کم‌آبی در کشورهای منطقه اجرا شده‌اند. در چنین شرایطی توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در مسائل آبی مستلزم پرهیز از رویکردهای رئالیستی به امنیت و آب و عطف توجه به این دو مقوله در چهارچوب رویکرد امنیت انسانی است. این چهارچوب می‌تواند به توسعه همکاری‌های آبی در کشورهای حوضه هریرود بر اساس مصالح متقابل و مشترک مردم منطقه و رفع نیازهای معقول آنها بیانجامد. بر این اساس، هدف این مقاله تأکید بر ضرورت تحول در رویکردهای سنتی به مقوله آب و امنیت برای جلوگیری از تبدیل کم‌آبی به منبعی برای اختلاف و منازعه کشورهای منطقه و ارائه راهکارهایی برای توسعه همکاری‌های آبی بین سه کشور ایران، افغانستان و ترکمنستان در حوضه هریرود و فائق آمدن بر مشکلات ناشی از وجود کم‌آبی در منطقه است.

واژه‌های کلیدی: هیدروپلیتیک، امنیت، امنیت انسانی، حوضه هریرود

هریرود، ایران، افغانستان، ترکمنستان

نویسنده: دکتر...

مکان: ...

امنیتی جمهوری اسلامی دست‌کم در سطح منطقه‌ای کمک خواهد کرد.^(۱) با توجه به کم‌آبی و تنش‌های آبی که از ویژگی‌های جغرافیایی و طبیعی آسیای غربی و مرکزی است پرسش اصلی مقاله این است که برای مقابله با بحران کم‌آبی در حوضه هریرود و مشکلات ناشی از آن در روابط کشورهای افغانستان، ایران و ترکمنستان چه رویکردها و اقداماتی باید مدنظر قرار گیرد. در پاسخ به این پرسش فرضیه مقاله این است که همکاری در حوضه‌های مشترک آبی از جمله هریرود مستلزم عطف توجه به رویکرد امنیت انسانی و سپس جستجوی راهکارهایی برای همکاری‌های مشترک در چهارچوب این رویکرد جدید است. داده‌های این مقاله به‌صورت اسنادی، و الکترونیکی گردآوری و با روش توصیفی و تحلیلی بررسی شده‌اند. مباحث نظری در چهارچوب تحول مفهوم امنیت، چگونگی شکل‌گیری مفهوم امنیت انسانی و نسبت آب و امنیت در دو رویکرد رئالیستی و انسانی به امنیت مورد توجه قرار گرفته‌اند. سپس هیدروپلیتیک، تنش و کم‌آبی در افغانستان، ایران و ترکمنستان و آنگاه ژئوپلیتیک و نظام بهره‌برداری از رودخانه هریرود به‌عنوان رودخانه مشترک بین سه کشور یادشده بررسی شده‌اند. در پایان نیز در چهارچوب رویکرد امنیت انسانی، راهکارهایی برای توسعه همکاری‌های آبی در حوضه هریرود ارائه شده است.

۱. امنیت و آب؛ رویکردهای متفاوت

آب یک کالای غیرقابل جایگزینی است. از این‌رو هرچا منابع آب، اندک باشد دسترسی به ذخایر محدود آن امری حیاتی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، آب به‌نحو اجتناب‌ناپذیری به یک مقوله سیاسی و امنیتی تبدیل می‌شود. در نتیجه سیاست، امنیت و آب به یکدیگر پیوند می‌خورند. اما موضوع مهم نه نفس این پیوند بلکه رویکرد حاکم بر آن است. در رویکرد رئالیستی به سیاست و امنیت، نیز منبعی برای قدرت و در اختیار داشتن آن برگ برنده‌ای در مبارزه بر سر قدرت است. حاکمیت این رویکرد به اجرای طرح‌های یک‌جانبه‌گرایانه به‌ویژه در بهره‌برداری از منابع مشترک منجر می‌شود. اما در رویکرد امنیت انسانی، آب مقوله‌ای حیاتی برای بقای نوع بشر است و کمبود آن ضرورت همکاری برای

بهره‌داری منصفانه و معقول از آب و بدون زیان‌رسانی به غیر به‌ویژه در منابع مشترک را دو چندان می‌کند. رویکرد امنیت انسانی هرچند جدید می‌نماید، ریشه‌های بسیار کهنی دارد. نظام‌های بهره‌برداری و توزیع آب در مناطق کم‌آب جهان از جمله در خراسان بزرگ و حوضه هریرود در قالب شبکه‌های مصنوعی آبیاری، قنوات و کاریزها، که ساخت آنها تنها در پرتو همکاری و تعاون مردم امکان‌پذیر بود، در چهارچوب همین رویکرد بنا شدند. امنیت و جستجوی آن در زمره نخستین نیازها و کوشش‌های انسانی بوده است. این نیاز بنیادی که نخست در سطح روانی و عینی فردی و سپس گروهی و جمعی آشکار شد. در قرن هفدهم و در چهارچوب کنگره و معاهده وستفالیاً هویتی ملی یافت. بدین ترتیب امنیت ملی به یکی از اصلی‌ترین خواسته‌ها و اهداف دولت - ملت یا دولت‌های ملی تبدیل شد. با ایجاد دولت ملی مفاهیمی مانند امنیت ملی، منافع ملی و قدرت ملی ایجاد شد. اما تلاش دولت‌ها برای دستیابی به آنها از آنجا که در چهارچوب نظامی قرار داشت که همه بازیگران آن به دنبال پیشینه کردن منافع خود بودند به‌ناگزیر ماهیتی ستیزه‌جویانه و خصم‌آلود به خود گرفت. زیرا امنیت ملی، منافع ملی و قدرت ملی در عالی‌ترین سطح تنها زمانی تأمین می‌شود که زمینه‌های برتری، تفوق و سلطه کشوری را بر دیگر کشورها فراهم آورد. در این رویکرد، سیاست بین‌الملل مبارزه‌ای در راه کسب و حفظ قدرت است (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۲۶-۳). این چنین بود که تلاش برای تأمین امنیت ملی به ناامنی منطقه‌ای و جهانی انجامید.

تعاریف کلاسیک امنیت ملی با تکرار و تأکید بر واژه‌های نظامی و سیاسی همراه هستند: نبود تهدید نظامی، محافظت از کشور در برابر حمله نظامی، افزایش قدرت نظامی، جنگ و... (روشندل، ۱۳۷۳: ۳۰-۳). تسری و توسعه مفهوم امنیت به حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی در چهارچوب نظام و گنتمان وستفالیایی رویکرد غالب دولت‌محور و تهدیدمحور امنیت را متنفی نساخته است. رویکردهای نرم‌افزارانه به مقوله امنیت، منافع و قدرت ملی تا زمانی که به دنبال سلطه و استیلا

1. Westphalia
2. Nation - state

هدف امنیت انسانی محافظت از گوهر حیات انسان از تهدیدات مهم و شایع و هموار کردن مسیر شکوفایی و کمال وی است (فاسمی، ۱۳۸۴: ۸۱۸). گوهر حیات بشر شامل تأمین و ارضای نیازهای مادی و نیز تأمین آزادی‌ها و حقوق انسانی می‌شود. آنچه حیات و بقای بشر را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد، متنوع و متعدد است.

حوادث و بیماری‌های طبیعی مانند سیل، زلزله و طوفان، رخدادهای خانمان‌سوز سیاسی نظیر جنگ و حملات تروریستی، به قدرت رسیدن نظام‌های جبار و سرکوبگر، شرایط ناگوار اقتصادی چون قحطی، فقر و تنگدستی، کمبود یا نبود منابع طبیعی لازم برای زندگی مانند هوا، آب و خاک، همگی تهدیداتی هستند که امنیت انسانی را به‌صورت جدی و آشکار به مخاطره می‌اندازند. در این میان به‌نظر می‌رسد برخی از تهدیدات می‌توانند زمینه‌ساز بروز تهدیدات دیگر و ایجاد شرایط شوند که نه‌تنها امنیت یک حوزه از حیات انسان، بلکه وجوه مختلف آن را با مخاطرات انباشت‌شده و سرایت‌پذیر روبه‌رو سازند. تهدیدات زیست‌محیطی از این قبیل‌اند (فاسمی، ۱۳۸۵: ۲۶۶). تهدیدات زیست‌محیطی می‌توانند باعث فقر، بیکاری، جابه‌جایی جمعیت و... شوند. به‌عنوان مثال تهدیدات ناشی از کمبود یا نبود آب می‌توانند خاصیت انباشتی و سرایت‌پذیری تهدید از حوزه‌ای به حوزه دیگر را نشان دهند. مهم‌ترین و آشکارترین سطح تهدید مربوط به نبود آب شرب سالم می‌شود که به‌طور مستقیم حیات و بقای انسانی را تهدید می‌کند. کمبود آب، فعالیت‌های معیشتی انسان در حوزه‌های کشاورزی و صنعت را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد و در نتیجه تهدیداتی مانند فقر، بیکاری، مهاجرت، تخریب محیط زیست، شیوع بیماری‌های خطرناک، نزاع‌های خونین و شورش و جنگ نیز بروز خواهند کرد.

۶۶ درصد سطح کره زمین پوشیده از آب و کل آب زمین در حدود ۱۴۵۶ میلیون کیلومتر مکعب است. اما تنها ۲/۶ درصد این آب، شیرین است. از این میزان ۷۷/۲۳ درصد در دو قطب و یخچال‌ها، ۱۲/۳۵ درصد در اعماق زمین و تنها ده

«ما» بر «دیگران» هستند، در واقع در تدارک یافتن ابزارهایی متفاوت و البته ناطیف‌شده برای دستیابی به اهدافی هستند که پیش از این با زور عریان و آشکار تعقیب می‌شدند. بر این اساس قدرت اقتصادی، تکنولوژیک و علمی نیز می‌تواند همان اهدافی را دنبال کند که در دوره‌ای از طریق قدرت نظامی و توسعه تسلیحاتی پیگیری می‌شد.

غلبه ابعاد نظامی و سیاسی بر مفهوم امنیت باعث شد که قدرت ملی نیز با وجود اینکه وجوه و انواع متفاوتی دارد، ماهیتی نظامی و سیاسی بیابد. در رویکرد رئالیستی، منظور از قدرت ملی توانمندی‌هایی است که به یک کشور امکان می‌دهد اهداف خود را در نظام بین‌الملل و در روابط با دیگر کشورها پیش برد (قوم، ۱۳۸۰: ۶۰-۵۹). این توانمندی‌ها سرچشمه‌های متفاوتی دارند: آمادگی نظامی، منابع طبیعی، ظرفیت صنعتی، منابع انسانی، خصوصیات ملی و... (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۲۶۴-۱۸۱؛ روشناس، ۱۳۷۳: ۸۵-۶۶؛ قوم، ۱۳۸۰: ۹۹-۷۵). اینها منابعی هستند که فرصت و امکان اعمال قدرت یک کشور و تغییر رفتار دیگر کشورها را فراهم می‌آورند. در این رویکرد، آب نیز که از جمله منابع طبیعی است، منبع قدرت و ابزار اعمال آن محسوب می‌شود.

با فروپاشی نظام دوقطبی و گسترش فرایندهای جهانی‌شدن، مفهوم امنیت نیز متحول شد. تعدد بازیگران بین‌المللی، کمرنگ شدن حاکمیت دولت‌ها و جلب توجه به پدیده‌هایی که آشکارا جنبه فراملی و فرامرزی دارند، موجب تقویت ابعاد جدیدی از مفهوم امنیت شد که امنیت انسانی از جمله آنهاست. در امنیت انسانی فرد انسان نه به‌عنوان یک تبعه یا شهروند بلکه فی‌نفسه و از آن‌رو که انسان است اهمیت می‌یابد (UNDP, 1995: 229-236). امنیت انسانی توجه خود را از دولت به فرد، فارغ از خصیصه‌های ملی، نژادی و فرهنگی و جنسیتی وی معطوف می‌دارد. به‌عبارت دیگر اگر در پارادایم وستفالی امنیت برای دولت - ملت بود و در مقابل آن تهدیدات دیگر دولت - ملت‌ها قرار داشت، در پارادایم امنیت انسانی، امنیت برای انسان و در مقابل آن تهدیداتی قرار دارد که حیات و بقای وی را به خطر می‌اندازند (Bajpai, 2000).

مورد نیاز خود به رودخانه‌هایی وابسته است که سرچشمه آنها خارج از فضای سرزمینی اش قرار دارد یا به علت نیاز فعلی یا آتی خود به مهار آب‌های مشترک مبادرت می‌ورزد، آب به موضوعی سیاسی و امنیتی در سطح منطقه‌ای و فراملی تبدیل می‌شود. (Dolatyar, Groy, 2000: 24)

امروزه درباره اینکه کمبود آب و نحوه استفاده از آب‌های مشترک می‌تواند در زمره منابع بروز جنگ باشد اتفاق نظر وجود دارد. حدود چهل درصد جمعیت جهان دارای حوضه‌های آبریز مشترک هستند و ۵۰ تا ۶۰ درصد وسعت هریک از قاره‌ها را حوضه‌های آبریز مشترک تشکیل می‌دهند (کردوانی، ۱۳۷۳: ۱۲). سیاست کشورها درباره چگونگی بهره‌برداری از این منابع مشترک می‌تواند موجب همکاری و همکاری یا اختلاف و واگرایی آنها شود. پیتر هاگت در مدل فرضی خود (های پویتکا) به هنگام برشمردن عوامل دوازده‌گانه جغرافیایی تنش‌ها میان کشورها، شش تنش را در ارتباط با موضوع آب و از میان آنها چهار مورد را به آب‌های مشترک نسبت می‌دهد (هاگت، ۱۳۸۶: ۳۷۲). بنابراین نحوه و میزان بهره‌برداری از رودها، دریاچه‌ها و سفره‌های زیرزمینی مشترک و تحت حاکمیت دو یا چند دولت می‌تواند به اختلاف بین کشورهای که در بالادست یا پایین‌دست منابع آبی مشترک قرار دارند، بیانجامد. اختلاف نظر بین کشورهای بالادست و پایین‌دست، زمانی بروز می‌کند که در مورد استفاده‌های مختلف از منبع آبی مشترک مانند استفاده از آب برای کشاورزی و آبیاری یا تولید انرژی برق تعارض وجود داشته باشد. کشورهای بالادست با در اختیار داشتن دبی آبراه می‌توانند با تغییرات اساسی، این دبی را کاهش دهند یا کیفیت آن را به دلیل آلودگی با آلاینده‌های شیمیایی به هنگام آبیاری تغییر دهند. دولت پایین‌دست نیز می‌تواند مثلاً با تأسیس سد در نزدیکی مرز مشترک، بخشی از سرزمین دولت بالادست را غرق در آب کند یا با بستن دهانه رود مانع دسترسی آن به دریا شود.

حل و فصل حقوقی تعارض بین دولت‌های بالادست و پایین‌دست بر عهده حقوق آبراه‌های بین‌المللی نهاده شده است (Schrijver, 1997: 118-126) اما به دلیل نبود قواعد الزام‌آور در رژیم حقوقی استفاده‌های غیرکشیرانی از آبراه‌های مشترک، کشورها به دو اصل بنیادین استفاده منصفانه و معقول - که معمولاً فرض می‌شود به

درصد آن یعنی ۰/۲۶ درصد کل آب‌های موجود در زمین برای انسان قابل استفاده هستند. (Carius, Dabelko, Wolf, 2004) با این‌همه این میزان بیش از نیاز انسان است. سالانه در حدود ۲۱۶۰۰۰ میلیارد متر مکعب باران می‌بارد. این میزان دو برابر جمعیت کنونی زمین را سیراب می‌کند. با وجود این، بسیاری از بخش‌های جهان از کمبود آب شیرین و قابل شرب رنج می‌برند. یک چهارم جمعیت جهان از دسترسی به آب آشامیدنی سالم محروم هستند و بیش از ۲۰ کشور دچار کمبود شدید آب هستند. کشورهای که منابع سرانه آب شیرین آنها بین ۱۰۰ تا ۱۷۰۰ متر مکعب باشد دچار کمبود آب، در صورتی که این رقم به ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر مکعب برسد دچار تنش و اگر به پایین‌تر از ۵۰۰ متر مکعب برسد دچار بحران و کم‌آبی شدید هستند. (حافظ‌نیا، نیکبخت، ۱۳۸۱: ۴۹) در این صورت تولید مواد غذایی، توسعه اقتصادی و حفظ سیستم‌های طبیعی آنها دچار تنگنا می‌شود. در مجموع توزیع نامناسب منابع آب، یکسان نبودن توزیع بارش، رشد بی‌رویه جمعیت، رشد مصرف و مدیریت از هم گسیخته منابع آب باعث شده است که بخش‌هایی از جهان از جمله خاورمیانه، آسیای مرکزی و غربی در معرض تنش یا بحران‌های آبی قرار گیرند. آب منبعی استراتژیک در اقتصاد، محیط زیست و توسعه است و کمبود آن تمام جنبه‌های زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو کمبود آب موجب نگرانی است و اقدامات مربوط به مهار و انتقال آن می‌تواند به اعتراض، شورش و جنگ منجر شود. تنش یا بحران آبی موضوع آب را به امنیت و سیاست پیوند می‌دهد. سیاست آبی یا هیدروپلیتیک به تأثیر و نقش آفرینی آب در سیاست اعم از تأثیر آن بر شکل‌گیری دولت‌ها، قدرت و ساختار یا زوال و ضعف آنها می‌پردازد.

تنش‌ها و بحران‌های آبی در سطوح مختلفی روی می‌دهند. گاه این تنش‌ها محلی یا ملی است. نزاع محدود بر سر توزیع و تقسیم آب یا اعتراض‌هایی که در چهارچوب یک واحد ملی بر سر جابه‌جایی و انتقال آب از یک منطقه به منطقه دیگر روی می‌دهند در زمره این تنش‌ها هستند. اما تنش‌های ناشی از کم‌آبی گاه ابعادی گسترده‌تر یافته و به سطوح منطقه‌ای و فراملی کشیده می‌شوند. مهم‌ترین مسئله در رابطه آب و امنیت در سطح فراملی به آب‌های مشترک و چگونگی تقسیم، بهره‌برداری و مدیریت آنها مربوط می‌شود. وقتی کشوری برای تأمین آب

آسیای مرکزی و فاجعه آرال و کمبود جدی آب در کانون مرکزی بحران خاورمیانه یعنی اردن، اسرائیل و فلسطین را نیز می‌توان به آنها افزود. اما این رخدادها و عوامل تنها تنش و بحران آبی قریب‌الوقوع را در این منطقه به تأخیر انداخته‌اند.

۲. هیدروپلیتیک و کم‌آبی در حوضه هریرود

سه کشور واقع در منطقه آسیای غربی یعنی افغانستان، ایران و ترکمنستان در مناطق خشک و نیمه‌خشک واقع شده و بخشی از سرزمین آنها نیز کوهستانی است. بیشتر آب این منطقه از آب شدن برف‌ها و یخ‌های واقع در کوه‌های مرتفع سرچشمه می‌گیرد. در این منطقه توزیع نامناسب آب، منابع آبی مشترک، سیاست‌های نادرست کشاورزی، فقدان مدیریت صحیح و یکپارچه بر منابع آب و نبود موافقت‌نامه‌های بهره‌برداری و رشد جمعیت مشکل را دو چندان کرده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱. رشد جمعیت در افغانستان، ایران و افغانستان

جمعیت (%) ۲۰۱۰-۲۰۰۵	رشد جمعیت (هزار) ۲۰۲۵ (هزار)	جمعیت (هزار)	
		۲۰۱۰ (هزار)	۲۰۰۵ (هزار)
		کشور	
		افغانستان	
۳/۴۵	۳۴۹۷۰	۳۹۱۱۷	۳۳۵۰۷
۱/۱۸	۸۷۱۳۴	۷۵۰۷۸	۷۰۷۶۵
۱/۳۳	۶۰۷۳	۵۱۷۷	۳۸۴۳

Source: <http://esa.un.org/unpp>

هرچند افغانستان دارای بیشترین منابع آب در منطقه است اما بخش‌های زیادی از این کشور محاط در خشکی کوهستانی است. متوسط بارندگی سالانه در افغانستان حدود ۳۰۰ میلیمتر و تقریباً برابر با ایران است. منبع اصلی آب این کشور، آب شدن برف و یخ موجود در ارتفاعات و سرازیر شدن آنها با سرعتی لجام‌گسیخته است. این وضعیت در مواردی نه‌تنها کمکی به کشاورزی نمی‌کند بلکه باعث نابودی دستریج کشاورزان نیز می‌شود. (کلپفورد، ۱۳۸۶: ۱۵، شورماچ، ۱۳۵۰: ۷۴-۷۳) هر چهار رودخانه بزرگ افغانستان (آمودریا (چیچون)، کابل رود، هریرود و هریرود) به کشورهای همسایه می‌ریزند.

نفع دولت بالادست است - و اصل منع ایراد ضرر مهم - که معمولاً فرض می‌شود به نفع دولت پایین‌دست است - برای استیفای حقوق خود متوسل می‌شوند و برای توجیه عملکرد خود از مبانی نظری متفاوتی بهره می‌برند (Cech, 2004: 145-154).

کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل با عنوان «حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی»^۱ که حاصل کار جمعی از برجسته‌ترین حقوق‌دانان و بر مبنای ملاحظه رویه کشورها و اعلام مواضع آنها در زمینه مورد بحث است، با رأی مخالف سه دولت و رأی ممتنع ۲۷ دولت به قطعنامه - که اغلب آنها از دولت‌های بالادست در آبراه‌های بین‌المللی به‌شمار می‌روند - از مجموع ۱۰۶ رأی به تصویب رسید (1997 April 11 869/51/V). با توجه به شمار تصویب‌کنندگان اندک آن و در غیاب نظر مثبت کشورهای مهم دارای مواضع بالادست در آبراه‌های بین‌المللی می‌توان گفت چهارچوب الزام‌آور جهانی برای ارائه قواعد حاکم بر رفتار کشورها وجود ندارد. در چنین شرایطی معاهدات و توافق‌های دو یا چندجانبه کشورها و رویکرد آنها به موضوع امنیت ملی یا انسانی درباره منابع آب مشترک اهمیت می‌یابد.

منطقه‌ای که امروزه آسیای غربی خوانده می‌شود و کشورها یا بخش‌هایی از کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان را دربر می‌گیرد، از گذشته دچار کم‌آبی بوده است. با این تفاوت که در گذشته مردم منطقه به‌دور از چهارچوب‌های تنگ و «غیرت‌ساز» دولت‌های مدرن و با اتکا به نظام گسترده و کارآمد توزیع و مصرف آب و شبکه‌ای از قنات‌ها و کاریزها نیازهای زیستی و حوایج اولیه خود را برطرف می‌کردند. اما امروزه در لوای نظام دولت - ملت، مرزهای سیاسی آنها را بیگانه و مشکلات و راه‌حل‌هایشان را بی‌ارتباط با یکدیگر ساخته است. با این وجود بنا به دلایل چندی هنوز کم‌آبی آسیای غربی به کانون توجه تبدیل نشده است. وجود میزانی از عقلانیت و همکاری، برخی شرایط سیاسی که عملاً بهره‌برداری بیشتر از آب یا اصرار بر حقیقه‌ها را به تعویق انداخته و وجود چند ایستگاه فاصله تا رسیدن به مرحله تنش آبی، عوامل درون منطقه‌ای هستند. عطف توجه به تنش‌های آبی در

1. The United Nations Convention on the Law of Non-navigational Uses of International Watercourses

افغانستان دارای یکی از بالاترین نرخ‌های رشد جمعیت در جهان به میزان ۳/۴۵ درصد است. پیش‌بینی می‌شود جمعیت این کشور که در سال ۲۰۰۰ در حدود ۲۶ میلیون نفر بود در سال ۲۰۲۵ به حدود ۴۵ میلیون نفر برسد. رشد قابل ملاحظه جمعیت در کنار ضرورت بازسازی و توسعه اقتصادی، بهره‌برداری بیشتر از منابع موجود و مهار آب‌های مرزی مشترک را در دستور کار دولت این کشور قرار داده است. طرح‌های افغانستان برای ساختن سد بر روی رودخانه‌های آمودریا، هیرمند و هریرود که به‌سوی کشورهای آسیای مرکزی و ایران در جریان هستند از جمله این اقدامات است.

ترکمنستان نیز با محدودیت منابع آب روبه‌رو است. این کشور دارای اقلیم خشک و بری است و چهارپنجم مساحت یا حدود ۳۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع آن را صحرای قره‌قوم تشکیل می‌دهد. به‌جز در نوار بسیار کوتاه و کم‌وسعت کوه‌های کپه داغ و پاراپامیز، هیچ رودخانه‌ای در تمام وسعت ۴۸۱۰۰۰ کیلومتر مربعی آن شکل نمی‌گیرد. کمی بارش‌های جوی با میانگین سالیانه حدود ۸۰ میلی‌متر، تبخیر و تعرق بسیار زیاد سالیانه که به بیش از ۲۷۰۰ میلی‌متر می‌رسد و تفاوت‌های بسیار بارز میانگین‌ها، درجات مطلق حرارت سالیانه و حتی روزانه، حاکی از تسلاط شرایط صحرایی بر ترکمنستان است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲۷). این شرایط آب‌وهوایی در استمرار تولید پنبه - مهم‌ترین محصول صادراتی کشاورزی ترکمنستان - که به آبیاری منظم نیازمند است تنگنای جدی به‌وجود می‌آورد.

ترکمنستان نه‌تنها محاط در خشکی است، بلکه به‌طور کامل به آب‌های ورودی وابسته است. رودخانه‌های آمودریا و مرغاب از افغانستان و هریرود و ترک از ایران وارد این کشور می‌شوند.

این کشور نیز با مسئله رشد جمعیت روبه‌رو است. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت کنونی این کشور که در حدود پنج میلیون نفر است، در سال ۲۰۲۵ به بیش از شش میلیون نفر برسد. وابستگی به آب‌های ورودی، رشد جمعیت و برنامه‌های توسعه مدتی است مقامات ترکمنستان را به چاره‌اندیشی برای مدیریت آب و جلوگیری از هدر رفتن آن سوق داده است.

براساس آمارهای اعلام‌شده، از ۲۸ میلیارد متر مکعب آب مصرفی سالانه

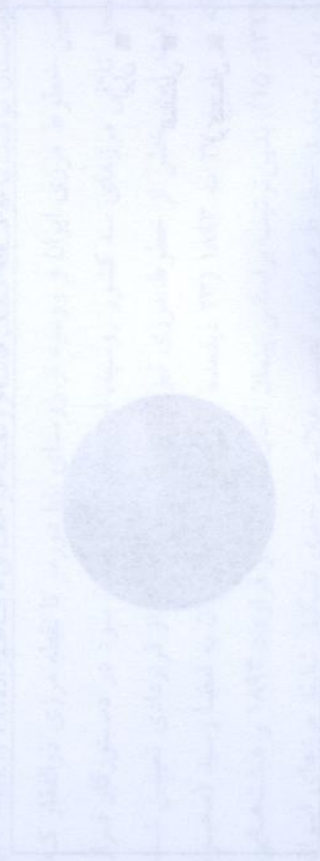
کشاورزی در ترکمنستان، حدود ۱۴ میلیارد متر مکعب یا به‌عبارتی ۵۰ درصد آن به‌عبارت می‌رود. میاژوف، رئیس‌جمهور سابق ترکمنستان پیشنهاد کرده بود که برای جلوگیری از هدر رفتن آب به‌ازای هر ۱۲۰ هکتار اراضی کشاورزی باید دو نفر برای نظارت بر آب مصرفی کشاورزی تعیین شوند. هرچند وی تصریح کرده بود که با کسانی که آب را هدر دهند برخورد می‌شود، ولی نحوه آبیاری اراضی کشاورزی این کشور همچنان به‌صورت سنتی است (www.ima.ir/view/full_story/). (News Id=125446).

ایران به دلیل قرار گرفتن دو سوم وسعت آن در مناطق خشک و نیمه‌خشک در زمره کشورهای کم‌آب قرار دارد. متوسط بارندگی در ایران بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ است و در بین ۱۰۰ کشوری است که سازمان ملل در برنامه جمعیت و محیط زیست خود از آنها به‌عنوان کشورهای کم‌آبی که سرانه آب شیرین تجدیدپذیر آنها پایین است نام برده است. سرانه آب ایران در سال ۱۳۷۵، ۲۱۶۰ متر مکعب و در سال ۱۳۸۵، ۱۷۵۰ متر مکعب بود. این میزان در سال ۱۴۰۰ به ۱۳۰۰ متر مکعب خواهد رسید (مسیبی، ۱۳۷۸: ۷۳). استان خراسان نیز که مرزهای آبی مشترکی با کشور ترکمنستان دارد، مانند بیشتر بخش‌های ایران در منطقه خشک و نیمه‌خشک واقع است. این استان که از گذشته به آب‌های زیر زمینی متکی بوده است در سال‌های اخیر به دلیل رشد جمعیت و خشکسالی به حفر بی‌رویه چاه‌های عمیق روی آورد. این امر باعث شد که از ۳۶ دشت این استان ۳۳ دشت ممنوعه اعلام شوند (پاپلی یزدی، وثوقی، ۱۳۸۳: ۸۵). جدول شماره ۲ وضعیت کلی منابع آب این استان را نشان می‌دهد.

افزون بر آب کشاورزی، استان خراسان و به‌ویژه شهر مشهد با توجه به افزایش روزافزون جمعیت مقیم و مسافر، در تأمین آب شرب نیز دچار تنگنایهای جدی است. همین تنگناها، بهره‌برداری بیشتر و مهار آب‌های مشترک از جمله هریرود را به موضوعی اجتناب‌ناپذیر در این استان تبدیل کرده است.

۳. ژئوپلیتیک و نظام بهره‌برداری از رودخانه هریرود
 هریرود از کوه‌های بابا و سفیدکوه (غور) از ارتفاعات هندوکش سرچشمه می‌گیرد و در حوالی آبادی‌های کوشان و کاریز در نزدیکی شهرستان تایباد به مرزهای ایران و افغانستان می‌رسد. مسیر هریرود از ابتدا تا این محل در غرب افغانستان ۶۵۰ کیلومتر است. از این نقطه به بعد رودهای فصلی مانند دال قلعه، کال دریند، بهلوری و روس به هریرود می‌پیوندد. هریرود تا تنگه ذوالفقار که محل تلاقی مرزهای ایران، افغانستان و ترکمنستان است، خط مرزی ایران و افغانستان به طول ۱۰۷ کیلومتر را تشکیل می‌دهد. این محل از نظر سوق‌الجیشی اهمیت زیادی دارد و در تعیین حدود مرزهای ایران و افغانستان از موارد اختلاف بوده است (فدایی، چکنگی، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۴).

هریرود پس از نقطه تلاقی مرز سه کشور در پل خاتون با کشف‌رود تلاقی می‌کند و از این به بعد تجن نامیده می‌شود. تجن، ۱۱۷ کیلومتر مرز مشترک ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد. پس از خروج از مرز، هریرود در دشت قره قوم پخش و در حوالی شهر تجن تقریباً محو می‌شود. (نقشه شماره ۱) این رودخانه از سرچشمه تا ریزش‌گاه، حدود ۱۱۲۰ کیلومتر طول دارد (جعفری، ۱۳۷۹: ۴۷۸).



جدول شماره ۲. وضعیت کلی منابع آب استان	تعداد حوضه‌های آبریز اصلی	میانگین نزولات جوی	متوسط حجم نزولات جوی سالانه	میزان تبخیر و تعرق سالانه	میزان پتانسیل منابع آب تجدیدشونده*	سهم آب‌های زیرزمینی از منابع تجدیدشونده	سهم آب‌های سطحی از منابع تجدیدشونده*	تعداد رودخانه‌های مهم	تعداد رودخانه‌های مرزی	حجم آب خروجی از رودخانه‌ها به استان‌های همجوار	حجم آب خروجی از مرزهای بین‌المللی (سهم ایران)	حجم آب ورودی به کویرهای استان	تعداد کل دشت‌ها	تعداد دشت‌های ممنوعه و ممنوعه بحرانی	تعداد دشت‌های آزاد	میزان برداشت از منابع آب زیرزمینی	کسری مخزن دشت‌ها
۳ حوضه	۲۲۷ میلیون متر مکعب	۲۶۵۷۳ میلیون متر مکعب	۱۸۳۳۳ میلیون متر مکعب	۸۳۳۹ میلیون متر مکعب	۶۰۰۰ میلیون متر مکعب	۳۳۳۹ میلیون متر مکعب	۴۲ رودخانه	۱۰ رودخانه	۲۶ میلیون متر مکعب	۱۲۷ میلیون متر مکعب	۴۰ میلیون متر مکعب	۳۶ دشت	۳۳ دشت	۳ دشت	۷۰۶۰ میلیون متر مکعب	۱۰۶۰ میلیون متر مکعب	

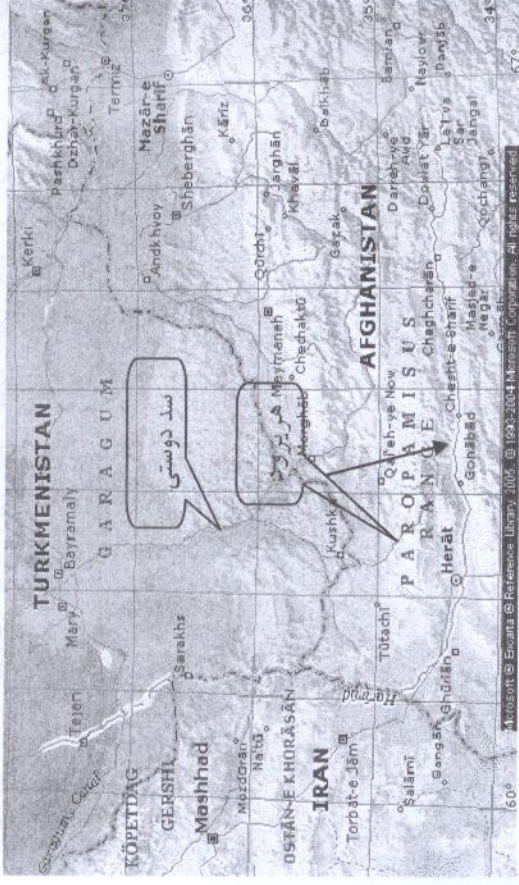
Source: www.khrw.ir/portals/o/Ab 1 Meher 87.doc

* ۵۰۰ میلیون متر مکعب آب ورودی به مرزهای استان می‌باشد

دبی متوسط سالانه رودخانه هریرود در محل پل خاتون برابر ۳۸ متر مکعب در ثانیه و میزان آورد آن حدود ۱/۲ میلیارد متر مکعب برآورده شده است. جریان هریرود به اواخر زمستان و فصل بهار محدود می‌شود. این رودخانه دارای طغیان‌های شدید در بهار بوده و عمده جریان آب سالانه آن در دو ماه اول فصل بهار است که تقریباً ۷۰ درصد کل جریان سالانه آن را تشکیل می‌دهد. دوره فروکش آب رودخانه از اواخر بهار شروع می‌شود و در فصل تابستان و پاییز خشک و یا جریان بسیار کمی دارد (شرکت مهندسی مشاور جاماب، ۱۳۷۲: ۸-۴).

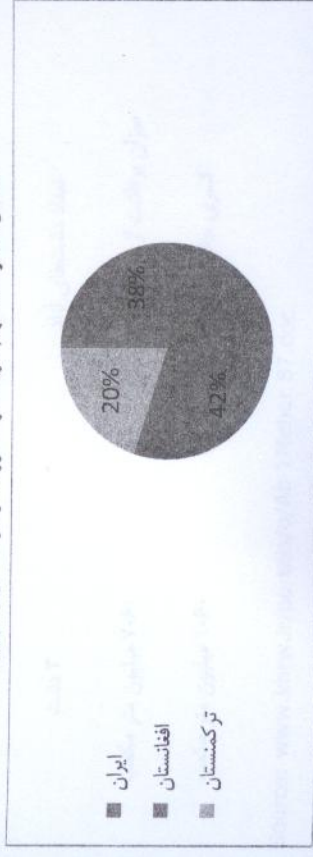
نظام بهره‌برداری از آب هریرود که از گذشته‌های دور تا اواخر قرن نوزدهم میلادی براساس حقایقه‌ها و رویه‌های معمول و مرسوم استوار و توسط مردم و مقامات محلی اجرا می‌شد، به دنبال پیش‌روی نیروهای نظامی روسیه تزاری به سوی سرزمین‌های آسیای مرکزی و ترکستان دستخوش تغییر شد. پیش‌روی روس‌ها در آسیای مرکزی مقارن ضعف دولت مرکزی ایران و با ترک دعای آن نسبت به سرزمین‌های شمالی رود اترک و امیدواری برای حفظ اراضی جنوب آن همراه بود. با همسایگی ایران و روسیه تزاری در شمال شرقی، تحدید حدود مرزهای دو کشور در این منطقه ضرورت یافت. ازین‌رو در ۲۱ دسامبر ۱۸۸۱ پیمان مرزی آخال به امضای مقامات دو کشور رسید. براساس فصل اول این پیمان مرزهای دو کشور از خلیج حسینیقلی در دریای مازندران تا مجاورت روستای بابا دورمز تحدید حدود شد و از این منطقه تا هریرود در سرخس به مسافت ۱۶۰ کیلومتر تعیین تکلیف نشد. زیرا روس‌ها در صدد تصرف بیشتر سرزمین‌های شرقی و همسایگی با افغانستان بودند. با توسعه متصرفات روسیه در شرق (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۷۸-۷۷) تعیین خطوط مرزی ایران و روسیه از روستای بابا دورمز تا نقطه مرزی ذوالفقار که محل تلاقی مرزهای سه کشور روسیه، ایران و افغانستان بود در دستورکار قرار گرفت. این بخش از خطوط مرزی نیز براساس فصل پنجم از قراردادی تعیین شد که در تاریخ ۲۷ مه ۱۸۹۳ (۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۱۰ هـ.ق) در تهران به امضا رسید (مخبّر، ۱۳۲۴: ۱۵). بدین ترتیب براساس پیمان آخال (۱۸۸۱) و قرارداد ۱۸۹۳ و هیئت‌هایی که برای تحدید خطوط مرزی و نصب علائم سرحدی تشکیل شدند مرزهای ایران و روسیه از دریای مازندران تا ذوالفقار تعیین شدند. هرچند خطوط مرزی دو کشور

نقشه شماره ۱. موقعیت هریرود و سد دوستی



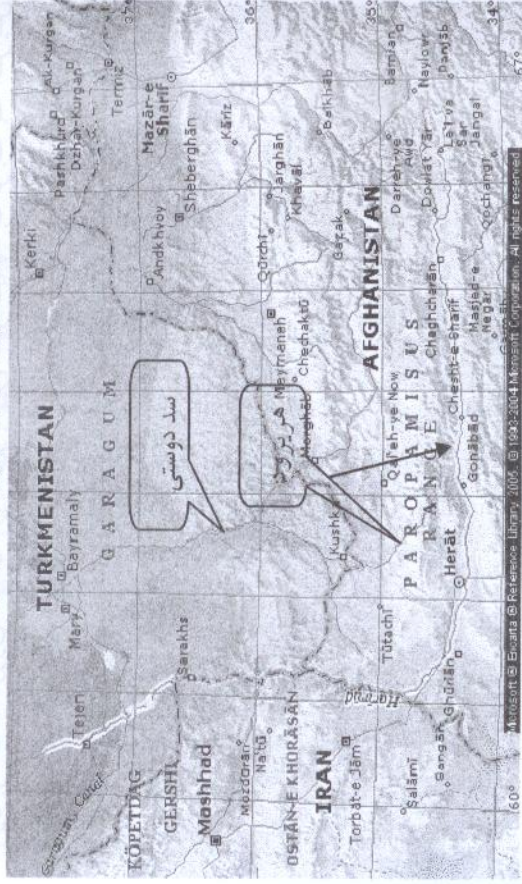
قره‌قوم نام چاله‌ای در میان شن‌زارهای ترکمنستان است که آب‌های مناطقی از ایران، افغانستان و ترکمنستان به‌سوی آن سرازیر می‌شود. قسمتی از جنوب غربی حوضه آبریز قره‌قوم در شمال شرقی ایران و در مجاورت مرزهای ایران با کشورهای افغانستان و ترکمنستان قرار دارد. به‌طورکلی مساحت حوضه آبریز قره‌قوم ۱۱۲۹۷ کیلومتر مربع برآورد شده که ۴۹۲۶۴ کیلومتر مربع یا ۴۲ درصد آن در افغانستان، ۴۴۵۷۳ کیلومتر مربع یا ۳۸ درصد آن در ایران و ۲۳۴۶۰ کیلومتر مربع یا ۲۰ درصد آن در ترکمنستان واقع است. شکل شماره ۱ سهم هریک از این سه کشور را در حوضه آبریز هریرود نشان می‌دهد.

شکل شماره ۱: سهم هریک از کشورها در حوضه آبریز هریرود



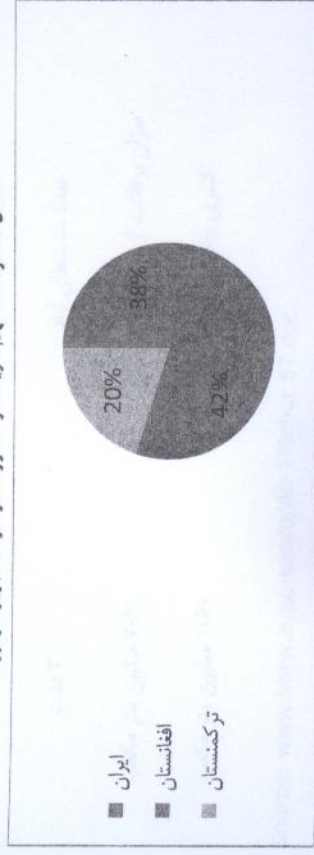
منبع: فدایی، چکنگی، ۱۳۸۴: ۱۳

نقشه شماره ۱. موقعیت هریرود و سد دوستی



قره‌قوم نام چاله‌ای در میان شن‌زارهای ترکمنستان است که آب‌های مناطقی از ایران، افغانستان و ترکمنستان به‌سوی آن سرازیر می‌شود. قسمتی از جنوب غربی حوضه آبریز قره‌قوم در شمال شرقی ایران و در مجاورت مرزهای ایران با کشورهای افغانستان و ترکمنستان قرار دارد. به‌طور کلی مساحت حوضه آبریز قره‌قوم ۱۱۲۹۷ کیلومتر مربع برآورد شده که ۴۹۲۶۴ کیلومتر مربع یا ۴۲ درصد آن در افغانستان، ۴۴۵۷۳ کیلومتر مربع یا ۳۸ درصد آن در ایران و ۲۳۴۶۰ کیلومتر مربع یا ۲۰ درصد آن در ترکمنستان واقع است. شکل شماره ۱ سهم هر یک از این سه کشور را در حوضه آبریز هریرود نشان می‌دهد.

شکل شماره ۱: سهم هر یک از کشورها در حوضه آبریز هریرود



منبع: فدایی، چکنگی، ۱۳۸۴: ۱۳

دبی متوسط سالانه رودخانه هریرود در محل پل خاتون برابر ۳۸ متر مکعب در ثانیه و میزان آورد آن حدود ۱/۲ میلیارد متر مکعب برآورده شده است. جریان هریرود به اواخر زمستان و فصل بهار محدود می‌شود. این رودخانه دارای طغیان‌های شدید در بهار بوده و عمده جریان آب سالانه آن در دو ماه اول فصل بهار است که تقریباً ۷۰ درصد کل جریان سالانه آن را تشکیل می‌دهد. دوره فروکش آب رودخانه از اواخر بهار شروع می‌شود و در فصل تابستان و پاییز خشک و یا جریان بسیار کمی دارد (شرکت مهندسی مشاور جاماب، ۱۳۷۲: ۸-۴).

نظام بهره‌برداری از آب هریرود که از گذشته‌های دور تا اواخر قرن نوزدهم میلادی براساس حقایقها و رویه‌های معمول و مرسوم استوار و توسط مردم و مقامات محلی اجرا می‌شد، به دنبال پیش‌روی نیروهای نظامی روسیه تزاری به‌سوی سرزمین‌های آسیای مرکزی و ترکستان دستخوش تغییر شد. پیش‌روی روس‌ها در آسیای مرکزی مقارن ضعف دولت مرکزی ایران و با ترک دعای آن نسبت به سرزمین‌های شمالی رود اترک و امیدواری برای حفظ اراضی جنوب آن همراه بود. با همسایگی ایران و روسیه تزاری در شمال شرقی، تحدید حدود مرزهای دو کشور در این منطقه ضرورت یافت. از این‌رو در ۲۱ دسامبر ۱۸۸۱ پیمان مرزی آخال به امضای مقامات دو کشور رسید. براساس فصل اول این پیمان مرزهای دو کشور از خلیج حسینقلی در دریای مازندران تا مجاورت روستای بابا دورمز تحدید حدود شد و از این منطقه تا هریرود در سرخس به مسافت ۱۶۰ کیلومتر تعیین تکلیف نشد. زیرا روس‌ها در صدد تصرف بیشتر سرزمین‌های شرقی و همسایگی با افغانستان بودند. با توسعه متصرفات روسیه در شرق (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۷۸-۷۷) تعیین خطوط مرزی ایران و روسیه از روستای بابا دورمز تا نقطه مرزی ذوالفقار که محل تلاقی مرزهای سه کشور روسیه، ایران و افغانستان بود در دستور کار قرار گرفت. این بخش از خطوط مرزی نیز براساس فصل پنجم از قراردادی تعیین شد که در تاریخ ۲۷ مه ۱۸۹۳ (۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۱۰ هـ.ق) در تهران به امضا رسید (مخبّر، ۱۳۲۴: ۱۵). بدین ترتیب براساس پیمان آخال (۱۸۸۱) و قرارداد ۱۸۹۳ و هیئت‌هایی که برای تحدید خطوط مرزی و نصب علائم سرحدی تشکیل شدند مرزهای ایران و روسیه از دریای مازندران تا ذوالفقار تعیین شدند. هرچند خطوط مرزی دو کشور

اختلافات و ضرورت تعیین سهم طرفین از آب‌های رودخانه‌های مشترک مرزی باعث شد در اول اسفند ۱۳۰۴ (۲۰ فوریه ۱۹۲۶)، قرارداد ۲۴ ماده‌ای درباره «استفاده از رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی واقع در امتداد سرخط سرحد از هریرود تا بحر خزر» به امضای دو کشور برسد. در ماده اول این قرارداد آمده است:

تمام آب هریرود (تجن) از پل موسوم به پل خاتون در امتداد سرحد به طرف جریان آب بین طرفین متعاهدین به ده قسمت متساوی تقسیم می‌گردد که سه قسمت آن برای استفاده ایران و هفت قسمت دیگر آن برای استفاده اتحاد جماهیر شوروی خواهد بود (مخبر، ۱۳۲۴: ۱۷).

بدین ترتیب برخلاف مفاد فصل سوم قرارداد ۱۹۲۱ و حتی برخلاف پروتکل دوم مهرماه سال ۱۳۰۰ شمسی، سهم ایران و اتحاد شوروی از آب رودخانه هریرود به ترتیب ۳۰ و ۷۰ درصد تعیین شد. این تقسیم، آشکارا ناعادلانه، غیرمنصفانه و به ضرر ایران بود. باین وجود در گزارش هیئت ایرانی به وزارت امور خارجه، قرارداد «به‌طور دلخواه و به صرفه ایران» دانسته شده بود (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۲۶۴).

افزون بر تقسیم آب هریرود، ذخیره آب و احداث سد بر روی آن نیز در ماده سوم قرارداد اول اسفند ۱۳۰۴ مورد توافق طرفین قرار گرفت (مخبر، ۱۳۲۴: ۱۸). این توافق در مذاکرات اسفند ۱۳۳۶ (مارس ۱۹۵۸) و نیز شهریور ۱۳۵۳ (سپتامبر ۱۹۷۴) بار دیگر تکرار و مطالعاتی نیز آغاز شد. اما وقوع انقلاب در ایران و سپس تحولات اتحاد شوروی و فروپاشی آن کشور اقدامات بیشتر را به تعویق انداخت. سرانجام در مهرماه ۱۳۷۰ در جریان سفر صفر مراد نیازف، رئیس‌جمهور وقت ترکمنستان به تهران برای احداث سد بر روی رودخانه هریرود توافق شد. براساس این توافق سهم هر یک از طرفین در احداث، بهره‌برداری و استفاده از آب و انرژی سد به‌صورت مساوی تعیین شد (فدایی، چکنگی، ۱۳۸۴: ۱۸۹). این توافق به‌معنای احیای حقوق ایران و منطبق با مفاد قرارداد ۱۹۲۱ درباره انتفاع مساوی از آب‌های مرزی بود.

از اواخر سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰ میلادی) عملیات احداث سد پس از تکمیل سیستم انحراف آن آغاز شد. طبق برنامه، ساخت سد باید در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) به

در شمال شرقی تحدید حدود شد، نخستین بار تعیین حبابه ایران و روسیه در رودخانه‌های مرزی از جمله هریرود، در قرارداد هشتم اسفند ۱۲۹۹ (۲۶ فوریه ۱۹۲۱) مطرح شد. در فصل سوم عهدنامه آمده بود: دولین معظمین از رودخانه ترک و سایر رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی متساویاً انتفاع حاصل خواهند کرد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۵۴۲).

با وجود تأکید بر انتفاع مساوی از آب‌های مرزی در قرارداد ۱۹۲۱ در پروتکلی که در دوم مهرماه ۱۳۰۰ در میان نمایندگان دو کشور در ارتک (نزدیک عشق‌آباد) امضا شد، دو سوم آب تجن به ترکستان و یک‌سوم به ایران اختصاص داده شد (پوشه ۶۳، جزوه دان ۴۶، سال ۱۳۰۰، اسناد وزارت خارجه به نقل از: ولایتی، ۱۳۷۰: ۱۲۴). مفاد این پروتکل نشان می‌دهد که روس‌ها به‌جای تقسیم مساوی آب، اساس گفتگو را «بر اصول احتیاجات قرار داده و بر روی آن تقسیمات به‌عمل آوردند که آن هم به ضرر ایران تمام می‌شد؛ زیرا بر اثر قیود و شرایط زیان‌باری که سال‌ها نسبت به اراضی سرحدیه ایران اجرا می‌شد، طرف ایران خراب و بی‌سکنه مانده بود و طرف روس‌ها آباد و پرجمعیت. بنابراین روس‌ها نمی‌خواستند محل آباد خود را بی‌آب گذارده و خراب کنند و ساکنان آن نقاط را به جای دیگر بکجانند» (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۲۱۷-۱۰۲۰۷، گزارش کارگزاری خراسان به شماره ۵۳۳۳ به وزارت خارجه در ۳ فروردین ۱۳۰۵ به نقل از: طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۲۶۳).

تقسیم آب‌های مرزی ازجمله مسائل اختلاف‌برانگیز ایران و روسیه (شوروی) در سال‌های پیش و پس از امضای قرارداد ۱۹۲۱ بود. روس‌ها در پاره‌ای از نقاط، آب رودخانه‌های مرزی را به‌سوی خاک خود منحرف و ایرانیان را از آبیاری کشتزارهای خود محروم می‌کردند. ازاین‌رو هر سال در بعضی مناطق مرزی بر سر تقسیم آب میان مرزنشینان ایران و شوروی درگیری ایجاد شده و تنی چند زخمی و کشته می‌شدند. وضع مقررات خاص برای ایرانیان ساکن در نواحی مرزی مانند محدود کردن زمین‌های کشاورزی و ممنوع یا محدود کردن کشت گیاهانی مانند پنبه و کنجد از دیگر اقدامات روس‌ها در این منطقه بود (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۲۶۳-۲۶۲).

افغانستان در حوضه هریروود بالادست است اما دست‌کم در این حوضه سابقه‌ای از عقد معاهدات، اقدامات عمرانی مشترک و نیز تمایل آشکاری به شرکت در مذاکرات برای کسب توافق‌های سازنده ندارد. به‌نظر می‌رسد این کشور به جبران فرصت‌های از دست‌رفته دوران اشغال و جنگ‌های جهادی و داخلی، اکنون به سیاست‌های یک‌جانبه‌گراییانه تمایل بیشتری نشان می‌دهد. در نقطه‌ی مقابل، ایران و ترکمنستان به‌عنوان کشورهای میانه‌دست و پایین‌دست هریروود که قراردادهای همکاری و اقدامات عمرانی مشترک در این حوضه داشته‌اند، علاقه‌مند به مشارکت افغانستان در این همکاری‌ها هستند. آنها می‌دانند که تنها در سایه همکاری‌های منطقه‌ای امکان استمرار بهره‌برداری مطلوب از آب‌های مشترک و کمک‌های متقابل به بازسازی و توسعه افغانستان فراهم می‌شود.

نتیجه‌گیری: راهکارهایی برای توسعه همکاری‌های آبی در حوضه هریروود

عملکرد کشورهای منطقه نشان می‌دهد که واقع‌گرایی، پارادایم مسلط آنها در شناخت موضوع کم‌آبی بوده است. از این منظر در اختیار داشتن منابع آب، پایه کسب و حفظ قدرت و اعمال آن بر همسایگان است. اما این امر کمکی به پایداری تأمین منابع آب این کشورها و تأمین آب مورد نیازشان نکرده است. در مجموع به‌نظر می‌رسد پارادایم امنیت انسانی جامع‌ترین و باکفایت‌ترین چهارچوب برای درک مشکل کم‌آبی و یافتن سازوکارهایی برای آن است. این چهارچوب می‌تواند مقابله با تهدیدات مربوط به حیات و بقای انسان‌های ساکن منطقه، ملاحظات امنیت ملی، ضرورت‌های مربوط به حفظ محیط زیست، توسعه و همکاری‌های کشورهای برای رفع نیازهای متقابل یکدیگر را دربرگیرد. کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان تاکنون به‌جز موضوع تقسیم آب هیرمند که در مواردی منشاء اختلاف در روابط ایران و افغانستان بوده است، شاهد تنش در روابط خود بر سر موضوع آب نبوده‌اند. اما همکاری‌های آنها نیز با توجه به پیوندهای تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی شان محدود بوده است. آنچه این کشورها تاکنون در زمینه مدیریت منابع آب انجام داده‌اند بیشتر در چهارچوب امنیت و منافع ملی‌شان و در قالب طرح‌هایی چون ایجاد سدهای مخزنی بوده است. اما این طرح‌ها در بهترین حالت راه‌حل‌هایی

پایان می‌رسید اما با تشخیص مقامات عالی دو کشور احداث آن یک سال زودتر پایان یافت و سهم هر کشور از مجموع ۸۲۰ میلیون متر مکعب آب قابل تنظیم آن ۴۱۰ میلیون متر مکعب تعیین شد. افزون‌بر ذخیره‌سازی و تنظیم آب رودخانه هریروود، تأمین بخشی از آب شرب شهر مشهد، تثبیت مرز ایران و ترکمنستان، تأمین آب کشاورزی دشت سرخس در ایران و ترکمنستان و مهار سیلاب و جلوگیری از خسارت سیل، اهداف مورد نظر از احداث سد دوستی هستند (فدایی، چکنگی، ۱۳۸۴: ۲۰۰-۱۹۰).

درحالی‌که بر اساس توافق‌های به‌عمل‌آمده بین ایران و ترکمنستان، چگونگی و میزان بهره‌برداری از آب هریروود و سد دوستی مشخص شده است، هیچ‌گونه توافقی با دولت افغانستان در این باره وجود ندارد. این درحالی است که براساس اطلاعات موجود، افغانستان احداث سد دست‌کم دو سد بر روی این رودخانه را در دست اقدام دارد. یکی از آنها به نام سد سلما در ۱۷۰ کیلومتری شهر هرات قرار دارد. هدف از احداث این سد، ذخیره آب برای آبیاری و تولید برق است. از احداث سد دیگری به‌نام جدواد نیز خبر داده می‌شود. احداث این دو سد می‌تواند بر روان‌آب سد دوستی و کیفیت آب آن تأثیر منفی به‌جای گذارد. در این صورت برخی از اهداف دو کشور ایران و ترکمنستان از احداث سد دوستی با تنگنای جدی روبه‌رو می‌شوند. با کاهش آب ورودی به سد ذخیره‌سازی، تنظیم آب و تأمین آب کشاورزی دشت سرخس با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند. در این میان با کاهش حجم و کیفیت آب سد دوستی کمبود جدی آب شرب شهر مشهد که با بهره‌برداری از سد دوستی امید به رفع آن می‌رفت بار دیگر به وضعیت بحرانی وارد می‌شود. این مشکلات، بحران‌ها و پیامدها و واکنش‌ها در مقابل آنها می‌تواند امنیت انسانی منطقه را با تهدید روبه‌رو سازد. اقدامات افغانستان در شرایطی صورت می‌گیرد که این کشور علاقه‌مندی چندانی به شرکت در جلسات مشترک و سه‌جانبه هماهنگی درباره بهره‌برداری از منابع آب رودخانه هریروود از خود نشان نمی‌دهد. در صورتی که در واکنش به اقدامات ناهماهنگ افغانستان، کشورهای ایران و ترکمنستان نیز طرح‌های یک‌جانبه‌گراییانه را به اجرا گذارند، مشکلات پیچیده‌ای در منطقه بروز خواهد کرد که هیچ‌یک از طرفین از آن منتفع نخواهند شد.

تصمیم‌گیری قرار گیرد.

۶. در سطح سیاسی انجام موفقیت‌آمیز همکاری‌های آبی مستلزم تعیین ارزش واقعی آب و تعریف سبب منافع برای انجام همکاری‌های مشترک است. در این سبب، امکانات و نیازها در کنار یکدیگر مطرح و کشورها متعهد به رفع نیازها در ازای استفاده از امکانات یکدیگر می‌شوند. مثلاً کشورهای ایران و ترکمنستان متناسب با میزان همکاری افغانستان در تأمین نیازهای آبی‌شان به رفع نیازهای افغانستان در بخش‌های انرژی، ترانزیت، بازرگانی و توسعه می‌پردازند.

۷. در تداوم همکاری‌های آبی، سیاسی و اقتصادی برگزیدن یک رژیم حقوقی بهره‌برداری از آب‌های مشترک - که متضمن استفاده عادلانه، معقول و پایدار باشد - ضروری است.

۸. تدوین قوانین و مقررات مناسب در نظام‌های داخلی هریک از کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان، ضمن فراهم آوردن بستر قانونی همکاری‌های مشترک و ایجاد الزامات قانونی، موجبات ایجاد نظام‌های شفاف برای مدیریت منابع آب توأم با مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی تصمیم‌گیران و مجریان را فراهم می‌کند تا سلامت سازوکارهای پیش‌بینی‌شده تأمین شود.

طراحی و اجرای یک الگوی موفق از مدیریت منابع آب می‌تواند اساس همکاری‌های این کشورها برای رفع تهدیدهای امنیتی جدی ناشی از تجارت مواد مخدر، فعالیت گروه‌های تروریستی و قاچاق انسان در منطقه قرار گیرد. همه این اقدامات در صورتی ممکن و قابل حصول است که تأمین امنیت انسان‌ها و منافع و مصالح متقابل و مشترک مردم منطقه در اولویت قرار گیرد.*

نایب‌دار و کوتاه‌مدت برای حل مشکلاتی دیرپا و ماندگار هستند.

کم‌آبی ویژگی طبیعی منطقه است و مقابله با تهدید آن نیازمند راه‌حل‌های پایدار و همه‌جانبه است. مسئله آب‌های مشترک و مرزی موضوعی نیست که در چهارچوب طرح‌های ملی و دیدگاه‌های یک‌جانبه‌گرایانه حل‌وفصل شود. در این صورت بیم آن می‌رود که با بی‌توجهی به دیدگاه‌ها و راهکارهای جامع، مشکلات موجود به تنش یا بحران تبدیل شده و امنیت ملی و انسانی کشورهای منطقه به خطر افتد.

برای اجتناب از بروز احتمالی چنین وضعیتی در چهارچوب پارادایم امنیت انسانی توصیه‌ها و راهکارهای زیر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۱. رودخانه هریرود و حوضه آبریز قره‌قوم، بخش قابل توجهی از مردم و سرزمین سه کشور افغانستان، ایران و ترکمنستان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این کشورها می‌توانند مدیریت هماهنگ و یکپارچه‌ای را برای این حوضه مشترک با هدف رفع نیازهای کنونی و توسعه‌ای خود تدارک ببینند. ایجاد کمیسیون مشترک برای همکاری، تبادل اطلاعات و هماهنگی درباره طرح‌های آبی و عمرانی می‌تواند محور فعالیت‌های دولتی قرار گیرد.

۲. مشاوره مستمر با بهره‌برداران، مردم محلی و نهادهای غیردولتی و مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مدیریت منابع آب حوضه، امری ضروری تلقی شود.

۳. طرح‌های توسعه‌ای باید متناسب با ظرفیت‌های آبی حوضه و حقایق هریک از کشورهای تنظیم و به مورد اجرا گذارده شوند تا از فشار بر منابع آب و مصرف بیش از حد آن اجتناب شود.

۴. پرهیز از الگوهای پرهزینه و بی‌ثمر خودکفایی که تأثیرات مخربی بر منابع تجدیدشونده آبی به‌جای می‌گذارند، بهینه‌سازی مصرف آب به‌ویژه در بخش کشاورزی و بازرگانی نهرهای فرسوده و سستی و اتخاذ روش‌های مناسب آبیاری در دستورکار دولت‌ها قرار گیرد.

۵. کنترل رشد جمعیت و مقابله با مهاجرت‌های بی‌رویه، از دیگر توصیه‌هایی است که در همکاری‌های مربوط به مدیریت منابع آب می‌تواند مورد تبادل نظر و

United Nations Development Program. May 1995. "Redefining Security: The Human Dimension", **Current History**, 94.

ج - الکترونیکی

www.irna.ir/view/full_story/?NewsId=125446.
www.khrw.ir/portals/o/Ab1Meher87doc.
www.nd.edu/~krocinst/ocpapers/op_19_1.PDF.
<http://esa.un.org/unpp>.

کاظم زاده، فیروز. ۱۳۷۱. **روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴: پژوهشی درباره سمت امپریالیسم**، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

کردوانی، پرویز. ۱۳۷۳. **منابع و مسائل آب ایران**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
کریمی پور، یحیی. ۱۳۷۹. **مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تهدید و تنش)**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.

کلیفورد، مری لوئیس. ۱۳۸۶. **سرزمین افغانستان**، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

لطفیان، سعیده. ۱۳۹۰. **پندار از تهدید و سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی ایران**، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰، صص ۲۰۷-۱۷۵.

مخبر، محمدعلی. ۱۳۲۴. **مرزهای ایران**، تهران: چاپخانه کیهان.
مسببی، محمد. ۱۳۷۸. **دیپلماسی بر منابع آب**، اصفهان: ارکان اصفهان.
مورگنتا، هانس جی. ۱۳۷۴. **سیاست میان ملت‌ها**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

ولایتی، علی اکبر. ۱۳۷۰. **تاریخ روابط خارجی ایران / دوره اول مشروطه**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

هاگت، پیتر. ۱۳۸۶. **جغرافیا ترکیبی نو (دو جلد)**، ترجمه شاپور گودرزی‌نژاد، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.

ب - انگلیسی
Bajpai, Kanti. 1 August 2000. "Human Security: Concept and Measurement", **Kroc Institute Occasional Paper**, available at: www.nd.edu/~krocinst/ocpapers/op_19_1.PDF

Carlus, Alexander, Geoffrey D. Dabelko, and Aron Wolf. 2004. **Water, conflict, and cooperation**, Background paper prepared for the **UN Secretary-General's High Level Panel on Threats, Challenges, and Change**. Washington, DC: United Nations Foundation.

Cech Thomas V. 2004. **Principles of Water Resources: History, Development, Management, and Policy**, 2nd Edition, NJ: John Wiley & Sons.

Dolatyar, Mostafa and Tim s. Groy. 2000. **Water Politics in the Middle East**, London: Macmillan.

Schrijver, Nico. 1997. **Sovereignty over Natural Resources: Balancing Rights and Duties**, Cambridge: Cambridge Studies in International and Comparative Law.